هنر

در خشت خام دیدند ۱۴

گفت‌و گو با فرهاد فروتنیان ۱۵

گفت‌وگو با چارلز بوش، نمایشنامه‌نویس آمریکایی

گفت‌و گو با محمد چرم‌شیر .....

سینما و ادبیات

گفت‌و گو با دکتر جهانگیر عیسی‌پور ۱۶

گیشه در تسخیر کمدی‌ها .....

گفت‌و گو با سیامک گلشیری-نویسنده ۱۷

مکتب طنزنویسی گل آقا .....

اندیشه و تاریخ

اینترنت و دموکراسی ۱۸

انسان در مواجهه با آکادمی و علوم انسانی .....

افغانستان از احمدشاه ابدالی تا فروپاشی طالبان . ۱۹

آموزش و پرورش نزد ایرانیان یهودی .....

مشروطه

جنگ در جهان، اغتشاش در ایران ۲۰

صنیع‌الدوله، اولین تکنوکرات ایرانی .....

رسانه

ویژه نمایشگاه مطبوعات

نگاه

ببخشید! شما چه‌کاره‌اید؟

احمد توکلی

چندی پیش بود؛ از همشهری محله در خیابان طالقانی می‌رفتم دانشکده خبر، توی تاکسی راننده با تنها مسافرش که جلو نشسته بود، داشتند با هم درباره کیفیت روزنامه‌ها بحث می‌کردند. راننده نسبتاً جوان بود و مسافر مردی با موهای جوگندمی، میانسال به نظر می‌رسید. من به این بخش از صحبت رسیدم که راننده می‌گفت: «آقا، اجازه نمی‌دهند که روزنامه‌ها حرف بزنند. و تا کسی حرف بزند، آن را تعطیل می‌کنند.» و مرد میانسال می‌گفت: «درست، ولی این دلیل روزنامه نخواندن مردم نیست، روزنامه‌ها هم چیزی ندارند.» متوجه شدم که درباره علت‌های کمی تیراژ در کشور بحث می‌کنند. اعتراف می‌کنم، طی ۲۵ سالی که با مطبوعات حشر و نشر دارم، همواره این سئوال گوشه ذهنم لانه کرده است. سرکلاس درس بارها با دانشجویان درباره آن بحث کرده‌ام. اگر جایی مقاله‌ای در این باره دیده‌ام بدون مطالعه از آن نگذشته‌ام. اگر بخواهم حرفم را جمع‌بندی کنم، علت‌ها بدون هیچ اولویتی، اینها هستند:

۱ – مردم ما به فرهنگ شفاهی خوی بیشتری دارند. لذا بازار رادیو و تلویزیون گرم‌تر از مطبوعات است، به عبارتی دیالوگ نزد ما شیرین‌تر از تفکر، تامل، تعمق و مطالعه است.

۲ – آستانه تحمل پایین است، به لحاظ فرهنگی، خیلی انتقادپذیر نیستیم؛ عمومیت دارد؛ خبرنگارمان حاضر نیست، یادبگیرد. مدیر رسانه‌مان خودمحور روزنامه‌اش را اداره می‌کند. مسئول‌مان چون زورش می‌رسد، می‌گوید درش را ببند.

۳ – اکثر مدیران مطبوعات ما، حزبی و گروهی هستند. و نگاه حزبی منجر به روزنامه‌نگاری حزبی می‌شود. روزنامه حزبی، همین قدر فروش از سرش هم زیاد است.

۴ – مدیریت ضعیف ناشی از همین رویکرد مدیران حزبی، تحریریه‌های خبری را به انفعال کشیده است. و خبرگزاری‌هایی که مثل قارچ روییده‌اند، ضعف ناشی از کمبود تولید مطبوعات را با مطالب سخت خبر و تا حدودی ضعیف، پوشش داده‌اند، به عبارتی گرد تنبلی را روی تحریریه‌های خبری پاشیده‌اند.

۵ – مطبوعات ما سخت‌نویس هستند. تقسیم نرم و سخت برای خبر، یک جایی ناشی از جنس خبر است. جنس اخباری که مطبوعات ما تولید می‌کنند، ماهیتاً سخت است، اخبار دولت، سیاست، اقتصاد، تظاهرات، بحران‌ها و . . . . خبر سخت – در تمام دنیا– اشتراک بیشتری دارد، یعنی کمتر اختصاصی است. این موضوع و استفاده گسترده و فراگیر از تولید سایت‌های خبری باعث شده است، که همه روزنامه‌ها یک‌شکل شوند و تنوع از بین برود.

۶ – امنیت شغلی در مطبوعات از بین رفته است. شما نمی‌توانید روزنامه‌نگاری پیدا کنید که بگوید جایم قرص و محکم است. من مدام در ذهنم صدای خبرنگارانی را می‌شنوم که می‌گویند: هنوز با من قرارداد امضا نکرده‌اند؛ می‌گویند سه ماه است حقوق نگرفته‌اند؛ می‌گویند قرار است در تحریریه‌ای که کار می‌کنند، تعدیل نیرو شود؛ خبرنگار، نگران نمی‌تواند فکر کند. خبرنگار خوب، شب هم باید خواب کارش را ببیند.

۷ – فرهنگ زندگی را به هم زده‌ایم. هیچکس را پیدا نمی‌کنید که بگوید اگر فلان رقم را بگیرم، دیگر کافی است. لذا کارکنان تحریریه‌های ما اگر پا بدهد، ده جا می‌خواهند کار کنند. لذا برخی که قابلیت کار – حتی در یک روزنامه هم را ندارند، امروزه چندین جا کار می‌کنند.

۸ – دانشگاه‌های ما متناسب با مباحث روز جلو نیامده‌اند؛ کمبود استاد، ازدیاد دانشجو، کمبود امکانات آموزشی و فقر علمی؛ به طوری که دانشگاه‌ها، برخی مواقع از تحریریه‌های تجربی هم عقب‌ترند.

۹ – سواد رسانه‌ای– در حالی که در بسیاری کشورهای پیشرفته آموزش برای ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان یک دغدغه است، امروزه ما تازه باید به فکر آموزش آن در درون رسانه‌هایمان باشیم. با این رویکرد به نظر می‌رسد، مردم ازجمله همین دو عزیزی که بحث شان داخل تاکسی گرم شده بود هر کدام از زاویه‌ای موضوع را درست ارزیابی می‌کنند. پیچ شمیران مسافر از تاکسی پیاده شد، راننده از توی آیینه نگاهی به من انداخت و گفت: نظر شما چیست؟ گفتم: «فکر می‌کنم حرف شما درست است اما اینکه مردم روزنامه نمی‌خوانند علل گوناگونی دارد.» پرسیدم: «شما خودتان روزنامه می‌خوانید؟» گفت: «هی . . . قبلاً می‌خواندم اما الان وقت ندارم. شب که می‌روم خانه از خستگی مثل نعش می‌افتم و صبح روز از نو.» ادامه راه، مسافری به تورش نخورد، و تا محل دانشکده «خبر» در خیابان شهید بهشتی، برایم یک‌ریز درباره «روزنامه‌ها و سیاست» صحبت کرد و من با دقت به صحبت‌های او گوش فرا دادم. من با او درباره این موضوع که اگر روزنامه‌ها بتوانند همه چیز را درباره سیاستمداران و دولتمردان بنویسند، مردم به روزنامه‌ها روی می‌آورند موافق نبودم. به عقیده من این می‌تواند تب باشد، در یک شرایط مقطعی جواب می‌دهد، ولی تبدیل به فرهنگ نمی‌شود؛ لازم است، خط تولید رسانه‌ای خود را تغییر دهیم:

۱ – روزنامه‌نگاری توسعه در کشور ما تعطیل است؛ فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگ شهری، سوادآموزی، زنان و کودکان، بهداشت، آموزش و . . . به طور نسبی، اینها در مطبوعات ما فراموش شده‌اند. سیاست‌زدگی در مطبوعات کولاک می‌کند، مردم خودشان و مشکلاتشان را توی صفحات مطبوعات نمی‌بینند.

۲ – به تبع آن، نرم‌نویسی باید در روزنامه‌ها تقویت شود. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهیم تیراژ بیاوریم، و مردم ما را بخوانند:

الف – باید حرفی برای گفتن داشته باشیم؛

ب – و بتوانیم آن را به درستی و به زبان مردم عرضه کنیم.

به مقصد نزدیک شده بودیم، که راننده جوان پرسید: «ببخشید! شما چه‌کاره هستید؟» گفتم: «روزنامه‌نگار.» پقی زد زیر خنده و گفت: آقا ببخشید اگر جسارتی شد. در فرصتی که در جیبم دنبال کرایه می‌گشتم، ادامه داد: «زودتر می‌گفتید، استفاده می‌کردیم.» خندیدم.

***مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار**

درباره روزنامه خراسان

۵۷ سال روزنامه محلی

سعید ارکان‌زاده یزدی

همین امروز که روزنامه را می‌خوانید، شماره ۱۶۴۱۰ روزنامه خراسان منتشر شد. ۵۷ سال است که روزنامه خراسان با تعصب عجیبی دارد چاپ می‌شود؛ یعنی از سال ۱۳۲۸ شمسی. خوانندگان این روزنامه هم با تعصب هر روز آن را می‌خوانند. برای خراسانی‌ها هیچ روزنامه‌ای «خراسان» نمی‌شود. حرف پیرمرد مشهدی هم شاهد همین ماجراست: «مو آموخته شدم؛ چل ساله درم خراسان ما خوانم.» روی دکه روزنامه‌فروشی یا جلوی هر مغازه‌ای از شهرهای خراسان ـ چه شمالی، چه جنوبی، چه رضوی– اگر «ایران» یا «جام‌جم» یا «کیهان» نباشد حتماً «خراسان» هست.

■ بنیاد شهید، کمیته امداد

اولین شماره روزنامه خراسان در اول تیرماه ۱۳۲۸ منتشر شد. این روزنامه صبح با گرایش فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری چاپ می‌شد. مدیرمسئولش «محمدصادق تهرانیان» بود و روزنامه‌ای خصوصی به حساب می‌آمد. تهرانیان تا انقلاب اسلامی مدیرمسئول روزنامه‌ای محلی بود که مهمترین اخبار استان خراسان را در کنار وقایع مهم مملکتی پوشش می‌داد. شاید این روزنامه یکی از معدود روزنامه‌های محلی کشور باشد که توانسته است در رقابت با روزنامه‌های سراسری، بیشترین فروش را در منطقه تحت پوشش خود داشته باشد. دفتر اصلی روزنامه خراسان در زمان مدیریت تهرانیان، در حوالی میدان احمدآباد مشهد بود. اما پس از انقلاب اسلامی دارایی‌های روزنامه خراسان مشمول تبصره نخست‌وزیری و مصادره شد. تهرانیان توانسته بود تا آن موقع بیش از هشت هزار و ۵۰۰ شماره روزنامه منتشر کند. پس از انقلاب روزنامه خراسان زیر نظر بنیاد شهید انقلاب اسلامی قرار گرفت. سال‌های دهه ۱۳۶۰ که به پایان رسید امتیاز انتشار این روزنامه به کمیته امداد امام خمینی منتقل شد. تا آن هنگام دفتر خراسان به زمین وسیعی نزدیک میدان فردوسی مشهد، به خیابان سازمان آب (شهید صادقی) آمده بود و چاپخانه‌ای هم برای خود داشت. رشد روزنامه خراسان از زمان مدیرمسئولی حسین غزالی در اوایل دهه ۱۳۷۰ شروع شد. به تدریج روزنامه در شهرهای دور و نزدیک استان خراسان، صاحب دفترهایی شد که نمایندگان آن دفترها اخبار شهرها را به تحریریه اصلی در مشهد می‌رساندند. اصلاحاتی در اعضای تحریریه انجام شد، تجهیزات چاپخانه نو شد و برای گرفتن آگهی‌ها ساختار منظم‌تری تعریف شد. البته در این میان کمک‌های دولتی هم بی‌تاثیر نبود. کار تا آن‌جا پیش رفت که مدیران روزنامه تصمیم گرفتند حوزه انتشار خراسان را گسترش دهند و آن را به یک روزنامه سراسری با مطالبی برای همه ایرانیان تبدیل کنند. آن هنگام، کنار روزنامه خراسان رقیبی هم به نام روزنامه «قدس» متولد شده بود که توسط آستان قدس رضوی منتشر می‌شد.

■ دوران رشد

روزنامه خراسان به سرعت رشد کرد. از روز پنجم بهمن‌ماه ۱۳۷۷ خراسان سراسری شد. خراسان را به طور همزمان چاپخانه‌ای در تهران مانند چاپخانه اصلی در مشهد چاپ می‌کرد. البته قطع روزنامه چاپ تهران کوچکتر بود؛ فایل‌های صفحات از طریق یک شبکه به تهران می‌رسید. روزنامه‌نگارانی در تهران استخدام شدند تا برای خراسان خبر و گزارش بنویسند. صفحات روزنامه تمام‌رنگی شد و یک مجلد به صورت لایی برای آگهی‌ها و نیازمندی‌ها چاپ شد. در دوران اینترنت هم سایت اینترنتی خراسان با نشانی www.khorasannews.com درست شد و جزء معدود سایت‌های خبری‌ای شد که «اشتراک خبرنامه الکترونیک» دارد و خبرها را رایگان به خواننده‌ای میل می‌کند. حالا دیگر روزنامه خراسان به گفته مدیرمسئولش تبدیل به «پرتیراژترین و محبوب‌ترین روزنامه محلی با چاپ کشوری» شده است.

از وقتی که استان خراسان تبدیل به سه استان شمالی و جنوبی و رضوی شده است، روزنامه خراسان هم به طور ویژه، چهار صفحه مطالب مربوط به این استان‌ها را چاپ می‌کند. علاوه بر ۱۶ صفحه سراسری، هر روز ویژه‌نامه خراسان رضوی، سه روز در هفته ویژه‌نامه خراسان جنوبی و دو روز در هفته ویژه‌نامه خراسان شمالی منتشر می‌شود. هر از چندی ویژه‌نامه‌هایی هم برای شهرهای مختلف خراسان به چاپ می‌رسد. همه این کارها را «موسسه فرهنگی– هنری خراسان» انجام می‌دهد.

■ موسسه فرهنگی– هنری

چندسالی است که روزنامه خراسان از زیر نظارت کمیته امداد امام‌خمینی خارج شده و صاحب امتیاز آن تبدیل به «موسسه فرهنگی– هنری خراسان» شده است. مدیران این موسسه می‌گویند که موسسه آنها نهادی خصوصی است اما ترکیب هیات امنا چندان هم این را نشان نمی‌دهد. موسسه فرهنگی– هنری خراسان هیات امنایی دارد که رئیس آن «مسیح مهاجری» مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی است. «حسین غزالی» مدیرمسئول سابق روزنامه خراسان عضو دیگر هیات امناست. «علی‌اکبر رزمی» رئیس شورای شهر مشهد و «محمدسعید احدیان» سردبیر روزنامه خراسان هم اعضای دیگر این هیات هستند. مدیرعامل موسسه نیز «محمدحسین مهدوی‌عادلی» است. مدیرمسئول فعلی روزنامه خراسان «کورش شجاعی» است. او پیش از این دبیر گروه علمی و معاون سردبیر خراسان بوده است. شجاعی به شرق می‌گوید: «چاپخانه و تمام ساختمان‌ها و ادارات و ملک و تجهیزات روزنامه خراسان متعلق به موسسه فرهنگی–هنری خراسان است.» به گفته او «کل کارکنان موسسه خراسان به ۳۰۰ نفر می‌رسد.» روزنامه خراسان تقریباً در تمام شهرهای استان خراسان نمایندگی دارد. تعداد دفترهایی که دارای خبرنگار است به ۳۰ دفتر می‌رسد.

■ دفتر تهران

دفتر روزنامه خراسان در تهران در تقاطع خیابان سهروردی و عباس‌آباد (شهید بهشتی) قرار گرفته است؛ ساختمانی سنگی و چهار طبقه که جز طبقه آخر آن، در اختیار روزنامه است. تحریریه خبرنگاران تهران در طبقه سوم است و کارکنان اداری و فنی به ترتیب در طبقات دوم و اول کار می‌کنند. زیرزمین ساختمان هم سوئیتی است که برای استفاده مهمان‌هایی که از مشهد می‌آیند آماده شده است. رضا کربلایی مسئول دفتر تهران روزنامه خراسان می‌گوید: «یک ساختمان قدیمی هم در خیابان اندیشه داریم که باید احیایش کنیم.»

تعداد کارکنان تحریریه دفتر تهران ۱۱ تن است. این کارکنان خبرها و گزارش‌های پایتخت را می‌نویسند و برای دفتر مرکزی در مشهد می‌فرستند. کارهای فنی از حروف‌چینی گرفته تا صفحه‌بندی در مشهد انجام می‌شود. تمام تصمیم‌گیری‌ها نیز در مشهد اتفاق می‌افتد. مدیرمسئول می‌گوید: «بعد از ظهرها شورای تیتر روزنامه در مشهد جلسه دارد. معاونان سردبیر و دبیران گروه‌ها هم در مشهد مستقر هستند.» به گفته او شمار اعضای تحریریه روزنامه خراسان در مشهد که شامل نیروهای رسمی، قراردادی و حق‌التالیفی است، به صد روزنامه‌نگار می‌رسد. برای انتخاب تیترهای صفحه اول روزنامه نیز شورای تیتری تشکیل می‌شود که شامل مدیر مسئول، سردبیر، چهار معاون سردبیر و دبیران برخی از گروه‌ها از جمله گروه سیاسی و عکس است. مسئول دفتر تهران می‌گوید: «هر ۱۶ صفحه روزنامه خراسان در روز قبل از چاپ بسته می‌شود. شش صفحه لایی است که مطالبش تا ساعت ۳ بعد از ظهر تحویل داده می‌شود و تا ۶ بسته می‌شود. شش صفحه دیگر هم خبری است، تا ۷ عصر مطالب رد می‌شود و تا آخر شب صفحه‌بندی می‌شود.» تا ساعت ۹ شب به تدریج صفحه‌های صفحه‌بندی شده روزنامه خراسان از طریق شبکه به دست مسئولان دفتر تهران می‌رسد. آنها نیز به سرعت صفحه‌ها را از بخش فنی دفتر تهران به چاپخانه می‌سپرند. چاپخانه‌ای که در تهران روزنامه خراسان را چاپ می‌کند، چاپخانه طوطی است. در مشهد هم کارها به همین ترتیب انجام می‌شود. تحریریه دفتر مشهد در طبقه بالای «چاپخانه روزنامه خراسان» قرار دارد. روزنامه همان‌جا صفحه‌بندی می‌شود و به طبقه پایین برای چاپ می‌رود. نیازمندی‌های استان و ویژه‌نامه‌های محلی هم چاپ می‌شوند و لای روزنامه قرار می‌گیرند. برخی از این ویژه‌نامه‌ها با اولین پرواز به تهران فرستاده می‌شود تا برای اداراتی که علاقه‌مند به مسائل محلی سه خراسان هستند فرستاده شود. چون هزینه چاپ این ویژه‌نامه‌ها با تعداد محدود در تهران به صرفه نیست، خراسانی‌ها ترجیح می‌دهند آن را با هواپیما به تهران بفرستند.

■ بیشترین استقبال در خراسان

مدیرمسئول روزنامه خراسان از تیراژ روزنامه‌اش چیزی نمی‌گوید اما می‌گوید: «برگشتی نداریم.» با این که هشت سال است خراسان به روزنامه سراسری تبدیل شده اما به نظر می‌رسد هنوز بیشترین خواننده را در همان خراسان دارد. در تهران و شهرهای خارج از خراسان کمتر کسی این روزنامه را می‌خرد. مدیر مسئول خراسان می‌گوید: «وجه غالب حوزه تاثیرگذاری روزنامه ما در استان خراسان است. عمده‌ترین قسمت فروش ما نیز در خراسان است.» چاپخانه روزنامه خراسان برخی از کتاب‌هایی را هم که در مشهد منتشر می‌شوند چاپ می‌کند. وقتی روزنامه‌ای چاپخانه‌ای برای خودش داشته باشد، همیشه این وسوسه هست که کارش را گسترش دهد و به فکر انتشار هفته‌نامه و ماهنامه و سالنامه بیفتد. اما روزنامه خراسان چنین برنامه‌ای ندارد. شجاعی مدیرمسئول می‌گوید: «غیر از ویژه‌نامه‌هایی که برای استان‌های خراسان جنوبی و شمالی و رضوی و برای شهرهای مختلف استان چاپ می‌کنیم قصد نداریم چیزی مثل هفته‌نامه یا ماهنامه دربیاوریم. البته درخواست وارد کردن یک دستگاه پیشرفته چاپ را داده‌ایم و اگر این اتفاق بیفتد ممکن است به فکر انتشار نشریات دیگر روزنامه خراسان هم باشیم.» مدیر مسئول می‌گوید: «دستگاه چاپی که حالا در اختیار داریم دستگاهی است که ۱۴ سال پیش از آلمان وارد شد و آن زمان در نوع خودش از پیشرفته‌ترین دستگاه‌های چاپ به حساب می‌آمد.»

اعتماد بخوانید، ضرر نمی‌کنید

عکس: سینا شعبانی

علی‌اکبر قزوینی: در نمایشگاه مطبوعات صحنه‌های جالبی را در سالن‌های کم‌تعداد این نمایشگاه که در پرت‌ترین نقطه نمایشگاه بین‌المللی برپا است، می‌شود دید. یکی از آنها در برابر غرفه روزنامه اعتماد اتفاق افتاد. آقای خوش‌تیپی با کت و شلوار مشکی و کراوات راه‌راه در حالی که تعدادی نسخه روزنامه دستش گرفته بود، با لبخند از بازدیدکنندگان می‌پرسید: «شما اعتماد می‌خوانید؟» یک نسخه از روزنامه را دست آنها می‌داد و باز با لبخند می‌گفت: «بخوانید، ضرر نمی‌کنید!» یکی از بازدیدکننده‌ها وقتی در برابر این پرسش قرار گرفت، گفت: «. . . خط و خطوط [اعتماد] را می‌دانم.» آقای خوش‌پوش اما باز با لبخند گفت: «باز هم بخوانید، ضرر نمی‌کنید!» او خودش را احمد اخوان معرفی کرد، معاون سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد. راستی شما اعتماد می‌خوانید؟

نگاهی به «مشارکت» و «عصر نو»

خبرنامه به‌جای نشریه

مطبوعات حزبی یکی از بحث‌انگیزترین گونه‌های مطبوعاتی را شکل می‌دهند. بحث بر سر اینکه آیا مطبوعات باید منتقد کل بخش‌های سیاسی باشند و از هر حزب یا گروه سیاسی مستقل باشند و یا اینکه مطبوعه‌ای به یک حزب یا جریان سیاسی وابسته باشد و دیدگاه‌های آن را منعکس سازد، از بحث‌های جاری در حوزه مطبوعات سیاسی بوده است. این بحث در سال‌های پس از دوم خرداد و با گسترش مطبوعات سیاسی افزایش یافته است. در این میان جبهه مشارکت نسبت به دیگر احزاب سیاسی بحث‌انگیزتر بوده است؛ چرا که بسیاری از نشریات حزبی سال‌های پس از دوم خرداد به این حزب وابستگی یا نزدیکی داشته‌اند. پنج روزنامه «مشارکت»، «نوروز»، «یاس نو»، «وقایع اتفاقیه» و «اقبال» در این سال‌ها به عنوان ارگان یا روزنامه وابسته به این حزب منتشر شدند. ضمن آنکه بسیاری از روزنامه‌های توقیف شده پس از دوم خرداد با تفکرات جبهه مشارکت همسویی نسبی داشته‌اند. با این حال پس از توقیف آخرین روزنامه نزدیک به جبهه مشارکت، این حزب مجوز روزنامه دیگری را دریافت نکرده است. روزنامه «اقبال» که به عنوان روزنامه حامیان دکتر مصطفی معین در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ منتشر می‌شد، در فاصله بین مرحله اول و دوم انتخابات از سوی دادستانی توقیف شد و تلاش‌های بعدی برای رفع توقیف آن بی‌نتیجه ماند. پس از آن با روی کار آمدن دولت جدید «محمدحسین صفارهرندی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اظهاراتی اعلام کرد که این وزارتخانه از انتشار روزنامه ارگان احزاب استقبال و حمایت می‌کند. به دنبال انتشار این اظهارات، سران جبهه مشارکت درخواست انتشار روزنامه‌ای جدید با نام «ایرانیان» را به هیات نظارت بر مطبوعات دادند. درخواستی که پس از ماه‌ها اوایل این هفته به‌طور رسمی اعلام شد که رد شده است. اما این شرایط مانع از آن نشده که جبهه مشارکت نشریه‌ای نداشته باشد. این حزب خبرنامه داخلی خود را طی یک‌سال گذشته فعال ساخته و آن را با ساختار یک هفته‌نامه حرفه‌ای به‌طور منظم منتشر کرده است. خبرنامه داخلی جبهه مشارکت به مدیرمسئولی «محمدرضا خاتمی» دبیرکل و سردبیری «کریم ارغنده‌پور» عضو شورای مرکزی این حزب منتشر می‌شود. ارغنده‌پور در روزنامه‌های «نوروز» و «اقبال» نیز همین مسئولیت را برعهده داشت.

نشریه داخلی جبهه مشارکت که با عنوان «مشارکت» منتشر می‌شود، ساختار و محتوای تقریباً ثابتی دارد. این نشریه به‌طور معمول در ۱۶ و در مواردی در ۲۴ صفحه با قطع مجله‌ای منتشر می‌شود. صفحه اول مشارکت را معمولاً تیتر مصاحبه اصلی خبرنامه با عکسی بزرگ از مصاحبه‌شونده تشکیل می‌دهد و در کنار آن ستون سرمقاله دیده می‌شود. مصاحبه‌های اصلی خبرنامه مشارکت تاکنون حول موضوعات فکری (همچون بنیادگرایی، عدالت و دین‌ورزی) یا تحلیل کلان مسائل سیاسی در حوزه داخلی و خارجی و یا تعیین نسبت اصلاح‌طلبان و برنامه آنها در حوزه‌های مختلف اجتماعی (چون کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان) بوده است. افراد مصاحبه‌شونده هم عموماً از اعضای شورای مرکزی این حزب و یا چهره‌های فکری– سیاسی دموکراسی‌خواه چون عبدالکریم سروش، هاشم آقاجری و علیرضا علوی‌تبار بوده‌اند. مطلب عمده دیگر که در هر شماره خبرنامه به چشم می‌خورد تحلیل‌های بدون امضایی است که در صفحه سوم آن درج می‌شود. این تحلیل‌ها حاصل بحث‌هایی است که در جلسه هفتگی تحریریه خبرنامه حول موضوعات روز انجام می‌شود و در نهایت درباره یک تا حداکثر سه موضوع اصلی تحلیل‌هایی نوشته می‌شود که مهمترین آنها در صفحه سه می‌آید. غیر از مطالب سیاست داخلی، نشریه مشارکت به‌طور هفتگی دارای صفحات مجلس، اقتصاد و سیاست خارجی است. همچنین اخبار تشکیلاتی جبهه مشارکت در صفحه دوم و مطالب مربوط به دفاتر این حزب در مناطق مختلف هم در صفحه پنجم درج می‌شود. در کنار این مطالب خبرنامه مشارکت صفحات ویژه‌ای برای جوانان، زنان، فرهنگیان، دانشجویان، کارگران و اصناف دارد که توسط شاخه‌ها و کمیته‌های مسئول این گروه‌های اجتماعی مطالب آن تامین و در خبرنامه منتشر می‌شود. در یک نگاه کلی می‌توان گفت در شرایطی که جبهه مشارکت فاقد مجوز انتشار روزنامه یا هفته‌نامه نزدیک به خویش است، انتشار چنین نشریه‌ای حرکتی نو در میان احزاب و گروه‌های سیاسی به حساب می‌آید. حرکتی که باعث شده الگویی جدید از مطبوعات حزبی به حوزه سیاسی کشور ارائه شود و ارتباط مناسبی میان این حزب با اعضا و هوادارانش به‌وجود آید.

■ نشریه «عصر نو»

در کنار نشریه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در اقدامی مشابه نشریه‌ای را با عنوان «عصر نو» منتشر می‌کند. این سازمان سیاسی نیز مدت‌ها درخواست مجوز هفته‌نامه‌ای با عنوان «عصر آگاهی» را به هیات نظارت بر مطبوعات داده اما این درخواست هم همچون ارگان جبهه مشارکت رد شده است. از همین‌رو سازمان مجاهدین انقلاب که در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ نشریه تاثیرگذار «عصر ما» را منتشر می‌کرد، اقدام به انتشار نشریه‌ای داخلی با عنوان «عصر نو» کرده است. نشریه‌ای که به‌طور معمول در هشت صفحه منتشر می‌شود و فاصله زمانی انتشار آن بین یک تا دو هفته است. «عصر نو» در مقایسه با مشارکت، تنوع کمتری دارد و بخش عمده صفحات آن به انتشار مقالات و تحلیل‌های انتقادی از دولت جدید و مطالب سیاسی اختصاص دارد. اما در مقایسه با نشریه «عصر ما» تحلیل‌ها و مطالب مندرج در این نشریه، کمتر مورد توجه محافل سیاسی قرار گرفته و در عرصه سیاسی کمتر تاثیرگذار بوده است. گفتنی است توزیع هر دو نشریه «مشارکت» و «عصر نو» به شکل پستی صورت می‌گیرد و افرادی این نشریه را دریافت می‌کنند که عضو یا هوادار این دو حزب سیاسی باشند.

ویژه‌نامه

سیاست‌نامه

ویژه‌نامه سیاست‌نامه روزنامه شرق براساس الگوی مجله‌های تخصصی علوم سیاسی از جمله مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی که در دهه ۶۰ کار خود را آغاز کرد منتشر می‌شود. بسیاری از مجله‌های اندیشه که طی این سال‌ها منتشر می‌شوند بیشتر به بحث فلسفه، دین و یا ادبیات می‌پردازند اما هدف از انتشار سیاست‌نامه نگاه و توجه تئوریک به اقتصاد، سیاست و علوم اجتماعی است. سیاست‌نامه قصد دارد نسبت به مجله‌های سیاسی و فصل‌نامه‌های روز عمیق‌تر باشد. این ویژه‌نامه شبیه ویژه‌نامه‌های سیاسی و حزبی هم نیست. همچنین سیاست‌نامه قصد دارد ارتباط بین حوزه‌های مختلف علوم انسانی نظیر اقتصاد، تاریخ، جامعه‌شناسی، فلسفه سیاسی و حقوق را نشان دهد. این ویژه‌نامه از گرایش لیبرالی در اقتصاد و سیاست حمایت می‌کند یعنی از خصوصی‌سازی در سیاست و اقتصاد حمایت می‌کند. این ویژه‌نامه نماینده هیچ حزبی نیست و تنها از حرکت لیبرالی حمایت می‌کند.

تاکنون دو شماره از این ویژه‌نامه تئوریک روزنامه شرق چاپ شده است. اولین ویژه‌نامه سیاست‌نامه به موضوع تحلیل انتخاب ۳ تیر و دومین شماره آن به موضوع تحلیل دولت اختصاص داشت.

سیاست‌نامه با توجه به ویژگی‌های خاص خود در تهیه و تنظیم برای انتشار هم بسیار سخت است. در ویژه‌نامه سیاست‌نامه روزنامه شرق تاکنون از افرادی همچون عباس امانت، مراد فرهادپور، علی میرسپاسی، مرتضی مردیها، احمد زیدآبادی، موسی غنی‌نژاد، مسعود نیلی و دکتر سیدجواد طباطبایی مطالبی چاپ شده است. قرار است شماره بعدی سیاست‌نامه روزنامه شرق بعد از نمایشگاه مطبوعات و بعد از ۶ ماه تلاش برای تهیه با موضوع حقوق بشر چاپ شود. شماره بعدی سیاست‌نامه هم ویژه دیپلماسی و سیاست خارجی خواهد بود.

موسسه ایران بین‌المللی می‌شود

مدیرعامل موسسه ایران گفت: برنامه حضور بین‌المللی و منطقه‌ای موسسه مطبوعاتی ایران در دستور کار آتی این موسسه قرار دارد و به صورت جدی پیگیری می‌شود. غلامحسین اسلامی‌فرد در گفت‌وگو با ستاد خبری سیزدهمین نمایشگاه مطبوعات گفت: برای کشوری که خود را صاحب ایده و فکر در منطقه می‌داند، نداشتن رسانه‌ای بین‌المللی که در سطح منطقه و جهان حرفی برای گفتن داشته باشد، قابل قبول نیست. وی با اشاره به انتشار روزنامه الوفاق به زبان عربی و ایران دیلی به زبان انگلیسی در این موسسه تاکید کرد: پتانسیل لازم برای توزیع نشریات این موسسه در سطح منطقه وجود دارد تا مجموعه روزنامه ایران علاوه بر داخل کشور، کشورهای خاورمیانه را نیز پوشش دهد. وی رسیدن به این هدف را نیازمند ایجاد بستر فنی مناسب دانست و اظهار داشت: تحریریه، نحوه توزیع، چاپ و توزیع مناسب بخشی از مشکلاتی است که باید با بررسی کارشناسی رفع شود. اسلامی‌فرد افزود: علاوه بر این باید مجوز توزیع از کشورهای مقصد نیز اخذ شود تا بتوان در این حوزه فعالیت کرد. وی یادآور شد: در صورت اخذ مجوز می‌توان علاوه بر توزیع همزمان سراسری روزنامه در کشور در کمترین زمان ممکن نشریه را به کشورهای مقصد رساند و با استفاده از فناوری‌های نوین نشریه را به طور همزمان در آن کشور به چاپ رساند. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ویژگی رسانه‌ها در دنیای امروز افزود: جلب اعتماد مخاطب مهم‌ترین ویژگی برای رسانه بوده و در صورتی که نتوان در این حوزه موفق عمل کرد، امکان بازگشت و بازسازی مجدد آن وجود ندارد.

حضور پررنگ غرفه مطبوعات فارسی‌زبان قاره‌آسیا در نمایشگاه مطبوعات

دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها برای نخستین‌بار آرشیو کاملی از مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور در قاره آسیا را در سیزدهمین نمایشگاه مطبوعات به نمایش گذاشته است. به گزارش ستاد خبری سیزدهمین نمایشگاه مطبوعات، این غرفه حاوی نشریات منتشر شده در محدوده جغرافیایی قاره آسیا در قالب کتب چاپی به زبان فارسی و نیز روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور است. همچنین آرشیو کاملی از ۳۰۰ عنوان روزنامه، نشریات و کتب چاپی فارسی‌زبان خارج از کشور که در قاره آسیا منتشر می‌شوند نیز در غرفه مطالعات و توسعه رسانه‌ها وابسته به معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عرضه شده است. لازم به ذکر است غرفه مذکور در سالن ۳۵ سیزدهمین نمایشگاه مطبوعات در محل دائمی نمایشگاه‌های دائمی در معرض دید عموم علاقه‌مندان قرار دارد. گفتنی است سیزدهمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها از تاریخ ۱۴ تا ۲۲ اردیبهشت ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران دایر است.